

مکتی بر مصوبات جلسه مؤرخ ۲/۱۱/۲۰۱۰ حکومت افغانستان



دولت دارای سه قوه یعنی قوه قضایه، مقننه و اجرائیه (حکومت) است. راز موفقیت دولت داری خوب در نظام دیموکراتیک و مردمی بر علاوه دیگر در موجودیت استقلال معین و جوابگویی معین و متوازن بین این سه قوه در برابر یکدیگر میباید. اینکه در کشور ما این توازن در عمل و حتی طبق قانون اساسی نافذ به نفع قوه اجرائیه (حکومت) برهم خورده یک بحث دیگر است که درین جا نمی خواهم آنرا بازکنم. اما اینکه حکومت افغانستان ماهوار جلسات خویش را دایر و بر موضوعات داغ کشور تصمیم میگیرد، قابل دقت و اهمیت است. مسلماً اهمیت آن درین است که این تصمیم به سرنوشت کشور و مردم ما تعلق گرفته و در ادامه و یا هم کوتاه شدن مدت تراژیدی کشور و مردم ما تأثیر میکند.

بلی کنترل از اجراء و عدم اجرای تصمیم قبلی با عوامل آن واخذ تدابیر و تصمیم جدید جهت حل مسایل به صورت علمی و عملی به نحویکه با حد اقل مصارف و حد اقل وقت ضروری به نتایج مطلوب نائل گشت. بلی کنترل از اجرای تصمیم و فیصله و تطبیق قانون باید پیگیر بود.

در دولتداری مانند تمام ساحات زندگی، استفاده از تجارب و دست آورد های جوامع بشری و راه های تجربه شده توسط جوامع که در سطح مشابه انکشافی قرار داشتند و در نظر گرفتن خصوصیات جامعه افغانی، آن مسایل اندکه باید حین اخذ تصمیم در نظر گرفته شوند.

بلی ضرورت نیست تجارب بدست آمده و راه های پیموده شده توسط نسل های دیگر و یا جوامع پیشرفته از سر پیموده شده و یا از سر تجربه گردند. پیمودن راه های جدید غیر تجربه شده نیز خطرات با خود داشته و سفارش نمی شوند.

مردم ما به خاطر دارند و میدانیم که حوادث و صحنه های تراژیدی ملت ما در بیشتر از سه دهه اخیر سناریو های خوب برای فلم های وحشتناک (هورور) بوده میتواند و هست. اما تنها یادآوری آن کفایت نمی کند. بر ماست با تمام امکانات در زمینه بهتر شدن وضع با برخورد سیستم سازنده و بهتر شدن امور تلاش خیر نمائیم. انتخاب دیگر و الترناتیف خوب وجود ندارد.

درین سلسله خواستیم بر محتوی و مصوبات جلسه اخیر شورای وزیران افغانستان مکتی داشته باشیم. بلی ملت حق دارد از آنها نیکه بر اریکه قدرت تکیه زده اند و کار شایسته اجرایی نمایند، شاکی باشد.

ملت حق دارد برای بهبود امور و بر تصمیم اتخاذ شده اظهار نظر نموده و بر راه های حل توجه ملت و مسؤولین امور را جلب نماید.

درین سلسله از همه اولتر یکبار دیگر تأکید ما بر مسأله کدري، سوق و اداره سالم کشور میباید. بلی اصلاح این سیاست یکی از کلید های اساسی است برای موفقیت های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و مسایل مربوط به حقوق بشر.

داشتن آرزوی نیک کار ضروری، خوب و برای آغاز کار لازم میباید اما قایمقام اصل کار شده نمی تواند. آرزوها باید با فهم لازم مسلکی و عمل همراه باشد.

بدین ارتباط ما از تقرر شخصیت شناخته شده ملی و بین المللی محترم داکتر اشرف غنی احمد زی به حیث رئیس پروسه انتقال مسؤلیت های نظامی و انکشافی از نیرو های بین المللی به جمهوری اسلامی افغانستان استقبال نموده و آنرا قدم نیک میدانیم.

مسلم این است که خاصاً در ده سال اخیر فرصت های زیادی به اثر بی کفایتی، تعصب و خود خواهی، عدم پیگیری مناسب در کارها و تطبیق شعارها و نسخه های جنگ سرد، از دست رفت.

ما زمانیکه از استدلال مسؤولین امور حکومت افغانستان (وزیر مالیه موجود) مبنی بر اینکه « ما- دولت افغانستان - جوابگوی همان قسمت کمک های مالی جامعه جهانی است که برای ما - دولت افغانستان - سپرده شده، میباشیم...» میشنیدیم و یا هم میشنویم این تأکیدات و اظهارات را به صورت قطع غیر قابل قبول دانسته و آنرا ناشی از عدم فهم مسلکی و یا هم فریب مردم میدانیم.

به نظر من دولت افغانستان از تمام کمک های جامعه جهانی که برای افغانستان تخصیص داده شده و به نحوی در افغانستان به مصرف میرسد، مسؤول است.

دولت قوانینی را که این کمک های مالی جامعه جهانی را خوب هماهنگ و شفاف میساخت روی دست نه گرفت و نداشت.

دولت سیستم ها و میکانیسم کنترول و نظارت به این کمک های مالی را روی دست نه گرفت. دولت بر اولیت های جامعه ما در کار سیستمی برنامه های نداشته و آنرا عملی کرده نتوانست. دولت سیستم تکس و مالیه مدرن مناسب را که قسما در شفافیت کمک های مالی مساعدت میکرد فعال نه ساخت. دولت به مطبوعات و ژورنالستان مانند ناظران دیموکراسی و شفافیت امور کمک های لازم نه کرده و نمی کند. دولت (حکومت) با نصب افراد بی کفایت متکی بر روابط استخباراتی، خانوادگی، مصلحتی و روابط جیبی توانایی ها و ظرفیت های دولتی را پائین آورد.

بلی تمام شواهد و قراین نشان میدهد که مسؤولین حداقل در موارد زیاد حق السکوت های خوب بدست آورده اند. پُل، پُلچک، سرک و تعمیر و... که به این نام ها با کوالیته و جنسیت نامناسب به کمک منبع خارجی توسط انجو (انجوی والی صاحب) ساخته شده و به صورت غیر شفاف حتی به قرار دادی دوم و سوم سپرده شد. کنترول کار اجرا شده توسط ادارات نورم و ستندرد و مراجع دفاع از مستهلکین صورت نه گرفت. بلی مراجع دولتی باید از تحویل گرفتن همچو پروژه های نادرست و غیر ستندرد ایسا میورزیدند. مسؤولین و متخلفین باید افشا و به مراجع عدلی و قضایی سپرده میشدند.

عوض لغو سرتاسری، یکسره و و یک مرتبه ای انجو ها و کمپنی های امنیتی باید به صورت انفرادی به تخلفات رسیدگی و جواز تجارتي همچو متهمین (شخصیت های حقوقی و فزیکي) با تخلف به حالت تعلیق قرار گرفته و یا هم لغوه میشد.

این و دهها تدابیر دیگر که مسؤولین حکومتی باید اجراء و روی دست میگرفتند. این کار یک دولت باکفایت بود که باید روی دست میگرفت، که نه گرفته.

انتخاب شخص خبیر مانند داکتر اشرف غنی به فهم ما یکی از اقدامات خیر است درین ارتباط که دولت افغانستان باید رسالت خود را درین راستا بر علاوه تدابیر فوق اجراء کند.

در مورد ستراتیژی ناتو و جامعه جهانی در افغانستان که در جلسه مذکور شورای وزیران به آن اهتمام صورت گرفته باید گفت: به صورت مکرر میخواستیم تأکید بداریم که اظهارات عده ای از سیاست مداران و مبصرین جهان در رابطه به افغانستان که آیا آنها در این کشور و منطقه موفق خواهند شد و یا خیر؟ باید سوال از نزد شان مطرح گردد که منظور و هدف از موفقیت و عدم موفقیت در افغانستان چیست؟ آیا موفقیت و عدم موفقیت با افزایش و تقلیل توپ ها و تانکها ارتباط دارد؟

به فهم ما اگر منظور از موفقیت در افغانستان ایجاد میکانیسم و ساختار های باشد که مردم افغانستان خود سرنوشت خویش را در دست گرفته و برای پرورش و تقویت اهداف و ارزش ها کار صورت گیرد که مردم ما آنرا در توافق به ارزش های عام قبول شده جامعه جهانی - ارزش میدانند و درین راستا با در نظر داشت این اصول میخواستند افغانستان محل خطر برای جهان نباشد. این خواست با بکار گیری شیوه های بهتر و درست تر ممکن و عملی است. موفقیت به این معنا ممکن است.

اما اگر تحت نام دیموکراسی و مساعدت میخواستند ارزشهای را بر ما بقبولانند که ما آنرا در موارد زیاد انحراف میدانیم و صرف اهداف مشخص و خاص خویش را دارند، برخورد انتقام جویانه دارند و حاکمیت های دست نشانده و گدیگ میخواستند. درین صورت زمان ثابت ساخته و ثابت خواهد ساخت که این آرزو عملی نیست.

بدون پالیسی روشن و واضح در برابر پالیسی دورویه پالیسی سازان اصلی پاکستان، موفقیت در افغانستان ممکن نیست. ناتو و جهان باید محل خطر را از همان مبداء آن عقیم سازند.

درین راستا برای مصالحه و تفاهم ملی که سبب ایجاد حاکمیت مردم در کشور ما شود باید کار صادقانه و عملی صورت گیرد. مصالحه و مفاهمه به دادن رشوت، دادن چوکی، و پناهندگی برداشت نادرست و فریبنده است. فضای اعتماد از دست رفته با افراد و اشخاص که به اصول مفاهمه و مصالحه معتقد و وفادار نیستند، عملی نیست و صورت گرفته نمی تواند. مصالحه و مفاهمه قبول راه مقابل نیست. مصالحه و مفاهمه تقسیم غنایم نیست.

مصالحه و مفاهمه بلکه توافق بر قواعد زندگی سیاسی در خانه مشترک است. توافق بر میکانیسم است که مشروعیت برنامه ها و نسخه های خویش را از ملت بدست آوریم.

قوت، نیرو، و نیروی محرکه تروریسم و افراطی گری در قریه های ما نه بلکه در اعمال افراطی و غیر عادلانه در افغانستان و سطح جهانی است. اتکابه حکومت ها و ادارات بی کفایت و غیر مشروع، تروریسم و افراطی گری را قوت میبخشد. ظلم، تعدی و بی عدالتی تروریسم و افراطی گری را قوت میبخشد.

ضرورت است با چنین دید و با چنین تحلیل و آوردن مستندات قابل قبول به همکاری علم و تکنالوژی و با افراد خبیر و منطق قوی به چنین کنفرانس های مانند کنفرانس لژین کشور پرتگال و نشست های مشابه اشتراک فعال نمود. زمان ثابت ساخته که دولت مؤلد و تاجر خوب نیست. دولت مدرن معمولاً شرایط ماهی گیری را در داخل قانون برای مردم و ملت آماده میسازد و خود بر قواعد بازی کنترل و نظارت میکند. تکس و مالیه میگیرد. اما بقیه اکثریت کارها در سکتور خصوصی و قراردادی تحت نظر قانون و بر تطبیق آن بر همه یکسان اجرا میشود. اقتصاد بازار آزاد که همه چیز را عرضه و تقاضا تعیین کند، قانون حاکمیت نداشته باشد و در بازار ظرفیت های رقابت آزاد وجود نداشته باشد و روابط مافیایی در اقتصاد حکمفرما باشد اصلاً رد است.

در اداره و حاکمیت که خود قانون را مراعات نه کنند، خرچ و دخل کمک های مالی خارجی معلوم نباشد چطور توقع خواهند کرد که ملت در مورد شان اعتماد و اعتقاد داشته باشند؟ ملت چطور اعتقاد خواهد کرد که این اداره و حاکمیت از ایشان و در خدمت ایشان است؟

مسئله دفاع و حمایت از سکتور خصوصی در تعهدات دولت های مدرن قرار دارد. ملی کردن ها و لغو کردن های انقلابی از خاصیت نظام های سوسیالیستی و کمونیستی بود. دولت های که مطابق به قوانین نافذ کشور و تحت حاکمیت قانون فعالیت میکنند باید سکتور خصوصی مانند سایر بخش های زندگی تحت حمایت قانون و گرنتی دولتی از تطبیق قانون و تضمینات حفاظت سرمایه ها و تشبثات خصوصی کار و فعالیت نموده بتوانند. ما در جهان امروز قضایای را داریم که دولت بخاطر قوانین نایکار و یا هم عدم مهیا کردن تضمین برای سرمایه های خارجی به پرداخت میلیونهای دالر در محاکم بین المللی محکوم گردیده و احکام هم نهایی گردیده اند. لذا لغو و فسخ یکسره فعالیت شرکت های خصوصی امنیتی بدون بررسی منفردانه قضایای هریک آنها با فرمان و سیاست معین دولتی امکانات بررسی در مراجع عدلی و قضایی را داشته و در صورت غیر قانونی بودن فرمان دولتی باید دولت برای این کمپنی ها و یا هم حد اقل اعاده حیثیت شان غرامات مالی پرداخته شود.

در کشور های دارای حاکمیت قانون تمام تصامیم ارگانهای اداری توسط محاکم مورد بررسی قرار گرفته میتواند. منع یکسره شرکت های خصوصی امنیتی در افغانستان و اتهامات مبنی بر اینکه دزد و رهنز اند، در سطح داخلی و بین المللی مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار گرفته میتواند.

اما عوامل ظاهری و باطنی تلاش لغو این شرکت های امنیتی خصوصی در چیست؟

ترس دولت از موجودیت قدرت متوازی به قدرت دولتی و در صورت تقلیل و یا هم خروج نیرو های خارجی امکانات وقوع کودتا ها، ارتکاب تخلفات توسط این شرکت های خصوصی، تقسیم مجدد و تلاش برای انحصار سازی این قرار داد های میلیونی توسط افراد و زورمندان جدید و یا هم بهتر سازی و تقویت نظام اداره و حکومت داری در افغانستان؟

هیچ یک از عوامل فوق حتمی نیست موجه باشند و دلیل قانونی لغوه یکسره این شرکت های خصوصی امنیتی شده نمی توانند.

مسلم این است که دولت توان اجرای بخشی از وظایف امنیتی را ندارد.

راه حل در بهتر شدن و دقیق شدن، کنترل و نظارت قانون بر اعمال و مشروعیت جواز تجارتي و بررسی کار و افراد است که درین شرکت های امنیتی اجرای وظیفه میدارند.

بررسی انفرادی کار این کمپنی ها را موجه و راه حل قانونی و درست میدانیم تا منحل نمودن یکسره آنها.

زمان نشان خواهد داد که بعد از منحل شدن این شرکتهای امنیتی (اگر عملی شود)، به مجرد وقوع حوادث بعدی امنیتی و وقوع تلفات مالی و جانی در مراحل کوتاه بعدی، گناه تلفات و خسارات به گردن همین فرمان خواهد افتاد و عاملین و صادر کنندگان فرمان لغوه مورد خشم قرار خواهند گرفت.

بحث روی گشت و گذار موتر های بی نمبر پلیت و شیشه های سیاه در جلسه شورای وزیران یک کشور را ضیاع وقت و شایسته بحث در جلسه شورای وزیران یک کشور نمی دانیم و آنرا نشانه ای از تمرکز بالاترین ارگان اداری و اجرائیه کشور به مسأله میدانم که از صلاحیت مثلاً قوماندانی پولیس ولایت کابل و یا هم دیگر ارگانهای متوسط ادارات امنیتی کشور میدانیم.

مسلم این است که امر اول باید در امور مداخله نموده، حضور داشته ویا تصمیم بگیرد که آن مسایل و امور کلیدی و تعیین کننده عام باشند. تمرکز به مسایل خورد انفرادی متعلق به ادارات پائین نشانه دولت داری خوب نیست.

انتقال آثار تاریخی افغانستان (از شهر ویانای کشور اتریش به هسپانیا) باید مطابق به قانون آثار تاریخی صورت گرفته و ضرورت جر و بحث شورای وزیران را ندارد.

چنانچه گفته آمدم شورای وزیران میتواند در زمینه کلید سازی یعنی در مورد قانون مذکور تصمیم بگیرند نه در مورد قضیه انفرادی که کار افراد مسلکی و معین وزارت اطلاعات و فرهنگ (کلتر) یک کشور است.

موضوع کمک گندم هندوستان نیز به نحوی وضع مشابه حالت بالا است. ضرورت نیست تا به مأمور دولت ماده قانون (جزء پنجم ماده چهارم قانون تدارکات عقد قرار داد ها) نشان داده شده و یا تجویز گردد. مأمور مکلف به اجرای قانون است و ضرورت به تجویز شورای وزیران را ندارد.

باز هم توظیف وزارت مالیه تا اینکه (... **حتی المقدور** صرفه جوئی ارگانهای دولتی را مطابق به فرمان و فرامین و مصوبات عملی کند....) نیز یک تجویز تبلیغاتی بوده در قانون **حتی المقدور** وجود ندارد و یا هم اگر باشد، بخاطر مجهول بودن چنین مفهوم (حتی المقدور) از همان ابتدا فاسخ است. صرف باید از تطبیق تصامیم و دساتیر **واضح** صادره در جلسات گزارش گرفته شود. تأکید بر تطبیق قوانین یک تأکید بی جا است. قانون برای همین است که تطبیق شود.

وارد شدن کتب و آثار بی حد و حصر از کشور ایران و بخش مراجع خارجی دیگر که در توهین و تحقیر افتخارات، عزت و تاریخ کشور ما تلاش دارند و مواضع خصمانه خویش را با پیکش ها و تحلیل های منفی و دشمنانه به خورد اولاد وطن ما قرار داده اند، آنقدر زیاد و وسیع است که در سایت های مختلف حتی نویسندگان ما به آن استنادات دارند.

نصب افراد غیر وطنی، نوکران اجنبی، تحویل و مصرف پول نقد و غیر شفاف در سطوح مختلف دولتی و غیر دولتی برای تحقق برنامه های مشروع و نامشروع کشورهای خارجی در افغانستان، پخش برنامه های مبتذل خلاف کلچر و فرهنگ افغانی در میدیا و پروژه های تلویزیونی روی دست و در حالت اجراء (چون پروژه تلویزیونی سه کشور همسایه به اساس و بنیاد زبان مشترک - به رهبری ایران) برنامه های است که به مشکل میتواند یک کتاب درسی و یا چند مضمون در مقابل این موج عظیم تاراج فرهنگی مقاومت کند. با آن هم سفارش و تصمیم مذکور شورای وزیران مبنی بر کار درین راستا را میتوان مانند قطره در بحر، مثبت ارزیابی نموده و یا هم آنرا شعاری نمایشی خوبی خواند.

میگویند هر رشته و مسلک از خود متخصص دارد. تخصص در کار به شخص قوت، توانایی و اتوریته کاری میبخشد.

دولت داری موفق همان دولت داری است که مسؤلین امور کشور تنگاتنگ و نزدیک با افراد و مراجع علمی و مسلکی امور را تنظیم و به پیش ببرند. در کشور های پیشرفته جهان مسایل و قضایای مطروحه قبل از تصویب توسط مراجع علمی و اکادمیک و مسلکی مورد تحقیق و تدقیق قرار گرفته، راه های حل ضم نظر کمیته متخصص به مرجع اداری و تصمیم گیرنده جهت انتخاب و تصویب و بحث بر جوانب دیگر قضایا پیکش میشود. **مسؤل درجه یک پست سیاسی که مشروعیت خویش را از مردم بدست آورد به برنامه و روش و راه حل صحه و قوت سیاسی میدهد که از جانب متخصص فن و مسلک در اختیار وی قرار گرفته.** چي خوش که متخصص فن مسؤل دست اول سیاسی و پست بلند پایه سیاسی نیز باشد.

بجا میبود اگر در جلسه مذکور شورای وزیران، تصامیم سیستمی در مورد کمک ها و تحایف کشور های خارجی برای مقامات دولتی افغانی نیز اتخاذ میشد و یا کمیته مؤظف میگردید تا مسوده مقرر را در مورد تهیه و روی دست میگرفت.

پایان بی پایان

:ایمیل drsalahuddinsayedi@yahoo.com

د پاڼو شميره: له ۵ تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پڼه له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكې په خير و لولئ